



روزی که امام رضا (ع) ولایتعهدی مامون را پذیرفت

منابعی چون «تقویم المحسنین» اثر ملامحسن فیض کاشانی روایت کرده‌اند که پس از مهاجرت امام رضا (ع) به مرو مردم در روز اول رمضان سال ۲۰۱ هجری با جناب ایشان به ولایتعهدی بیعت کردند.

منابعی چون «تقویم المحسنین» اثر ملامحسن فیض کاشانی روایت کرده‌اند که پس از مهاجرت امام رضا (ع) به مرو مردم در روز اول رمضان سال ۲۰۱ هجری با جناب ایشان به ولایتعهدی بیعت کردند.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و اندیشه: نخستین روز ماه مبارک رمضان یک اتفاق ویژه را درون خود ثبت دارد. مستند به کتاب «قلائد النجور فی وقایع الایام و الشهور» اثر مرحوم آیت الله ذبیح الله محلاتی در روز هفتم رجب سال ۲۰۰ هجری مامون عباسی نامه ای به حضرت ثامن الحجج امام رضا (ع) نوشت و ایشان را برای ولایتعهدی خویش به مرو فراخواند.

طبری در تاریخ خود (جلد هفتم) و همچنین منابع دیگری چون رساله «تقویم المحسنین» اثر ملامحسن فیض کاشانی روایت کرده‌اند که پس از مهاجرت امام رضا (ع) به مرو مردم در روز اول رمضان سال ۲۰۱ هجری با جناب ایشان به ولایتعهدی بیعت کردند. شیخ صدوق علیه رحمه در «عیون الاخبارالرضا» این رویداد را به تاریخ پنجم ماه رمضان آن سال ثبت کرده است.

هرچند که برخی منابع کهن از جمله «عیون الاخبارالرضا» با تصحیحات خوب در این دهه‌ها منتشر شده‌اند و بانک‌های اطلاعاتی مربوط به حوزه نشر نیز در این سال‌ها، اسامی کتاب‌های بسیاری درباره زندگی امام رضا (ع) را درون خود ثبت دارند، اما متأسفانه پژوهش‌های جدی و مفید درباره زندگی سیاسی و اجتماعی این امام مظلوم به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد.

از میان آثار مهم پژوهشگران عصر جدید درباره زندگانی آن حضرت می‌توان به کتاب «الحیة السیاسة للامام الرضا (ع)» اثر مرحوم آیت الله علامه سیدجعفر مرتضی عاملی اشاره کرد، که با عنوان «زندگانی سیاسی هشتمین امام حضرت علی بن موسی الرضا (ع)» و به قلم خلیل خلیلیان به فارسی ترجمه و منتشر شده است. از دیگر منابع مهم نیز یکی کتاب «حیاه الامام علی بن موسی الرضا (ع): درسه و تحلیل» اثر مرحوم علامه باقر شریف قرشی است و دیگری «حضرت رضا (ع) مظهر رفت خدا» اثر مرحوم آیت الله سیدمحمد ضیاءآبادی. همچنین در منابع دیگری چون «حیات فکری سیاسی امامان شیعه» اثر حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان نیز می‌توان تحلیل‌های درخشانی درباره زندگی و حرکات سیاسی امام رضا (ع) را یافت.

مسئله ولایتعهدی امام رضا (ع) مشهور تاریخ است. فارغ از اینکه آن دوران مامون تمایلاتی به شیعه داشت، اما حاکم غاصب بود و حکومتش حکومت جور. اینکه درباره چرا امام رضا (ع) این پیشنهاد را در نهایت پذیرفت، تحلیل‌های مهمی ارائه شده است. علامه سیدجعفر مرتضی عاملی در «الحیة السیاسة للامام الرضا (ع)» نوشته است که عباسیان در ابتدا دعوت به اهل بیت (ع) می‌کردند و رضا و خشنودی آل محمد (ص) را به زعم خود طالب بودند، اما پس از استقرار در حکومت با استفاده از این حیل، دیگر نفاق را به کناری گذاشته و ذات خود را نشان دادند. به همین دلیل نیز علویان شورش‌های بسیاری علیه آنان انجام دادند. مامون عباسی نیز برای فرونشاندن شورش‌های علویان و گرفتن بیعت از آنها حیل کهنه عباسیان را بازتولید کرد و حضرت ثامن الحجج (ع) را به ولایتعهدی فراخواند.

امام رضا (ع) نیز علیرغم اینکه از نیت مامون آگاه بود و به خود او نیز فرمود که «هدف تو این است که خلق بگویند علی بن موسی به خلافت و دنیا بی رغبت نیست این کار را کرده‌ای» اما در نهایت و با اکراه این منصب را پذیرفت. شرایط ایشان برای پذیرفتن اما خاص بود و نشان می‌داد که حضرت (ع) دخالتی در امور خلافت ندارد.

شیخ مفید در باب هشتم «الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد» که با ترجمه و شرح محمدباقر خراسانی به فارسی منتشر شده است، اشاره کرده در جلسه ای خصوصی بین امام (ع)، مامون و فضل بن سهل، مامون امام را به این شرح تهدید کرد که «عمر بن خطاب، شورای ۶ نفره را تشکیل داد که یکی از اعضای آن، جد تو علی بن ابی طالب (ع) بود و عمر شرط کرد که هرکدام از آنها مخالفت کرد گردنش زده شود. چاره ای نیست جز اینکه آنچه از تو می‌خواهیم بپذیری که من گریزی از آن نمی‌یابم.» عجیب این است که مامون با برخی متکلمان درباب برتری حضرت امیرالمؤمنین (ع) نسبت به خلفای سه‌گانه احتجاج کرده بود و او آن حضرت (ع) را برتر از آنها می‌دانست.

اما به هر حال حضرت (ع) در نهایت پیشنهاد مامون را پذیرفت. برای شیعه قول و فعل امام معصوم (ع) حجت است. به همین دلیل

نیز شیعیان می توانند با پژوهش و غور در زندگانی سیاسی حضرت ثامن الحجج (ع) راهکاری برای شرایط دشوار فعلی خود بیابند.

محمد آسیابانی